

ابعادی از ظهور قدرت ایران در عملیات «وعده صادق»

در این معرکه غربی‌ها و سیستم‌های دفاعی و تهاجمی آنان، در بازی نظامی ایران گرفتار شدند. ایران توانست حدود ۲۰۰ جنگنده و دست‌کم پنج سامانه دفاعی غربی‌ها و رژیم را با پهپادهای تهاجمی خود سرگرم کرده و راه حرکت موشک‌های خود را به سمت هدف هموار نماید.

به گزارش سایت خبری پرسون، سعدالله زارعی در یادداشتی نوشت: غرب و عوامل آن با به‌کارگیری ظرفیت‌های اطلاعاتی، نظامی و سیاسی برای حفاظت از رژیم غاصب صهیونیستی به میدان آمدند

اما نتیجه تلاش‌های فشرده‌ای که طی ۱۳ روز انجام دادند رها کردن گریبان آن از دست ایران نبود و با این وجود آسیب‌پذیری جدی رژیم جلوی چشم جهانیان به نمایش درآمد و جالب این است که ملت‌ها، نخبگان و طیف وسیعی از دولت‌های جهان، عمل ایران را بسیار مؤثر و ضمناً اخلاقی ارزیابی کردند. غرب در این مواجهه، اعتبار متورم شده نظامی و سیاسی خود را از دست داد و غاصبان سرزمین فلسطین دریافتند هیچ راهی برای نجات آنان از مهلکه وجود ندارد. در معرکه بامدادان ۲۶ فروردین ماه، ۲۳ کشور در مقابل ملت ایران به میدان آمدند و صحنه را باختند در حالی که به تعبیر سردار حاجی‌زاده فرمانده میدان جمهوری اسلامی در این معرکه، حداکثر ۲۰ درصد توانایی خود را به صحنه آورد. در این خصوص گفتنی‌هایی وجود دارد:

۱- این عبارت معروف را قاعداً شنیده‌اید که وقتی اسرائیل در وضعیت تهدید قرار گیرد به «حمله پیش‌دستانه» (Preemptive War) یا حمله پیشگیرانه (Preventive War) متوسل می‌شود و دشمن را قبل از اقدام از صحنه نظامی خارج نموده و بی‌آنکه مورد حمله قرار گیرد، حمله را دفع می‌کند. حمله پیش‌دستانه اصطلاحی است که آمریکایی‌ها به‌طور رسمی در اوائل حمله به عراق در سال ۲۰۰۳ به‌منظور مشروع جلوه دادن حمله به یک کشور باب کردند و البته پیش از آن رژیم اسرائیل جنگ ژوئن ۱۹۶۷ / خرداد ۱۳۴۶ را بر این پایه قرار داد و با حمله پیش‌دستانه به ارتش‌های عربی، پیروز جنگ ژوئن شناخته شد. ایران با علم به این موضوع، با ابتکارهای خاص خود، اقدام پیش‌دستانه را از دسترس رژیم غاصب خارج کرد و مانع ورود اسرائیل به این بازی شد. این اولین پیروزی نظامی ایران در برابر رژیم و جبهه غربی که با جنگ‌افزارهای پیشرفته به حمایت از آن برخاست، بود.

۲- جمهوری اسلامی در این معرکه در برابر فشار متراکم کشورهای غربی و تهدیدها و وعده‌های آن‌ها برای منصرف شدن از حمله به رژیم غاصب ایستاد و دست رد به سینه آنان زد. در واقع در این معرکه ثابت شد وقتی ایران اراده کند هیچ مانعی نمی‌تواند آن را از اجرای تصمیم خود منصرف گرداند. این در حالی است که طی حدود ۱۰۰ سال گذشته وقتی یک کشور ولو بسیار قدرتمند در چنین شرایطی قرار می‌گرفت، از تصمیم خود برمی‌گشت و مصلحت و منفعت ملی آن در برابر چنین فشاری قربانی می‌شد. مصر در جریان جنگ ۱۹۷۳ که موفق به آزادسازی سرزمین صحرای سینا و منطقه طابا شده بود، با فشار آمریکا و شوروی عقب نشست و پیروزی به دست آمده را تسلیم رژیم اسرائیل کرد. بنابراین خود این مقاومت در برابر فشار متراکم سیاسی کشورهای غربی یک پیروزی بزرگ دیگر برای ایران بود از این پس دشمنان می‌دانند، اراده ایران قابل شکست دادن نیست.

۳- در این معرکه، ایران می‌خواست به مهم‌ترین پایگاه هوایی رژیم غاصب - نواتیم واقع در ۲۰ کیلومتری تأسیسات اتمی رژیم - که در واقع قلب آن محسوب می‌شود، حمله کند و ضمناً یک سیلی هم به پایگاه اطلاعاتی رژیم - سلاخیم واقع در غرب جبل الشیخ - بزند و به هیچ وجه هدف نظامی دیگری نداشت. در این‌جا اولاً هدف نظامی ایران تا زمانی که موشک‌های ایران به این دو پایگاه نزدیک شدند، از چشم سیستم‌های قوی و چند لایه اطلاعاتی و در واقع افسانه‌ای غرب و نیز از محاسبه استراتژیست‌های نظامی غرب مخفی ماند. ثانیاً ایران دقیقاً با شکافتن پنج سیستم قدرتمند دفاعی دشمنان، این دو پایگاه را با شدت زیاد درهم کوبید و درواقع آنها را از نظر عملیاتی از رده خارج کرد. این یک خسارت بسیار سنگین حیثیتی برای غرب و عوامل آن بود. ضمن آنکه قدرت فوق‌العاده عملیاتی ایران را به ثبت رساند، به همین جهت غربی‌ها تلاش وسیعی کردند تا نفوذ موشک‌های سنگین وزن ایران - با سر جنگی حدود ۵۰۰ کیلوگرم - به پایگاه‌های نظامی و اطلاعاتی اسرائیل را انکار کنند که البته نتوانستند و به مرور به آن اعتراف کردند. در واقع در این معرکه ثابت شد سامانه‌های دفاعی دشمنان اگرچه قادر به وارد کردن آسیب‌هایی به پرتابه‌های ایران هستند، اما قادر به کنترل تسلیحات شلیک‌شده ایران نیستند و این یک پیروزی بزرگ نظامی برای جمهوری اسلامی بود.

۴- در این معرکه غربی‌ها و سیستم‌های دفاعی و تهاجمی آنان، در بازی نظامی ایران گرفتار شدند. ایران توانست حدود ۲۰۰ جنگنده و دست‌کم پنج سامانه دفاعی غربی‌ها و رژیم را با پهپادهای تهاجمی خود سرگرم کرده و راه حرکت موشک‌های خود را به سمت هدف هموار نماید. غربی‌ها و رژیم تا زمانی که بالستیک‌ها و کروزهای ایران به نقاط هدف بسیار نزدیک گردید، متوجه بازی فریب ایران نشدند. در این بازی فریب، آنان نزدیک به چهار میلیارد دلار - که البته به ۵/۱ میلیارد دلار آن اعتراف نمودند - هزینه کردند. در حالی که هزینه نظامی ایران در این عملیات، کمتر از ۲۰۰ میلیون دلار بود. یعنی ایران با هزینه بسیار کم، هزینه بسیار سنگینی را روی دست رژیم غاصب و پشتیبانان احمق غربی آن گذاشت. این هم یک پیروزی بزرگ برای ایران و علامت هوش سرشار رهبری نظامی جمهوری اسلامی بود.

۵- ایران در این معرکه، یک پیروزی بزرگ اخلاقی هم برای خود به ثبت رساند و این در حالی بود که غربی‌ها تلاش می‌کردند حمله ایران را به ابزاری برای خارج کردن رژیم اسرائیل از انزوا تبدیل کنند. عنصر اخلاقی یعنی به دست آوردن مشروعیت جنگ در برابر طرف مقابل و این در جنگ‌ها یک عنصر حیاتی و سرنوشت‌ساز است به‌گونه‌ای که اگر شکسته شود، شکست نیروی مهاجم قطعی است. کما اینکه وقتی رژیم غاصب به ساکنان غزه حمله کرد، همه تحلیلگران نظامی از شکست قطعی رژیم در برابر مردم غزه و سازمان‌های مقاومت صحبت کردند.

آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها گمان می‌کردند ایران یا به یک کنسولگری رژیم و یا به چند مجتمع انسانی و یا اقتصادی حمله می‌کند و از این طریق از نظر مشروعیت جنگ، کفه ترازو به نفع رژیم غاصب می‌چرخد و به اقدامات نظامی بعدی آن مشروعیت اخلاقی می‌دهد. ایران با اجتناب از حمله به این اماکن و تمرکز روی مهم‌ترین پایگاه نظامی رژیم که ضمناً در حمله به مرکز کنسولی ایران در دمشق نقش اول داشت، رژیم و غرب را خلع سلاح کرد و جهان را به تحسین ایران واداشت. بر این اساس علی‌رغم آنکه پاسخ ایران بسیار کوبنده و به تعبیر وزرای خارجه آلمان و انگلیس، «نامتوازن» بود، اما هیچ کمکی به خروج رژیم غاصب از انزوای اخلاقی نکرد. این هم یک پیروزی راهبردی دیگر برای ایران بود.

۶- ایران در این معرکه فرصت یافت تا در یک نبرد واقعی- و نه مانور - ضمن تست میدانی امکانات خود، ظرفیت‌های دفاعی طرف‌های مقابل خود را به طور واقعی ارزیابی کند راه‌های تکمیل توانمندی‌های نظامی خود و غلبه بر توانمندی‌های دشمنان را به‌دست آورد.

ایران در این صحنه، با توزیع نقاط شلیک در مناطق مختلف کشور و به صحنه آوردن نمونه‌هایی از جنگ‌افزارهای خود، به ارزیابی توانمندی‌های مکانی و تسلیحاتی خود دست یافت و به نقاط آسیب و خلأهای دشمن احاطه پیدا کرد. از این رو بعضی از تحلیلگران نظامی غربی گفتند - اگر اتفاق دیگری علیه ایران رخ دهد - ضربه بعدی ایران، بسیار اساسی‌تر و ردیابی و خنثی‌سازی پرتابه‌های آن برای سامانه‌های دفاعی غرب بسیار دشوارتر خواهد بود. در این صحنه دست رژیم و حامیان آن برای ایران رو شد. غربی‌ها و رژیم در این معرکه نظامی، ابلهانه همه توانمندی‌های دفاعی خود را به صحنه آورده و در معرض ارزیابی فرماندهی نظامی ایران قرار دادند و این در حالی بود که ایران به طور بسیار هوشمندانه تنها بخشی از توانایی نظامی خود را به میدان آورد و در معرض دید قرار داد. بر این اساس حریف ایران تمام ظرفیت خود را افشا کرد و حریف غرب کماکان مشتهای خود را بسته نگاه داشت. جالب این است که یک روز پیش از شروع عملیات «وعده صادق»، یک مقام ارشد نظامی ایران در برابر برخی خبرها که بوی تهدید می‌داد، اعلام کرد اگر خطری برای ایران پیش آید، جمهوری اسلامی در مورد برنامه هسته‌ای خود و عدم انحراف به سمت نظامی تجدیدنظر خواهد کرد. این موضوع بار دیگر روح و روان رژیم غاصب و غرب را به هم ریخت و به سؤال واداشت که واقعاً ایران تا دستیابی به چنین توانی چند قدم فاصله دارد و خود این در تغییر معادله و واداشتن حریف به احتیاط، بسیار مؤثر بود، به‌گونه‌ای که علی‌رغم واکنش سنگین نظامی غرب به عملیات وعده صادق، یک گلوله هم از سوی آنان به سمت خاک و آسمان ایران شلیک نشد. این هم یک پیروزی درخشان دیگر برای ایران بود.

در مجموع در این معرکه، به تعبیر دقیق رهبر معظم انقلاب اسلامی - دامت برکاته - نیروهای مسلح ایران «ظهور قدرت اراده ملت ایران در عرصه بین‌المللی را به اثبات رساندند».